

**مثل آینه - صفحه ۲۴ / کار و شایستگی صفحه ۲۶ / باغبان نیک اندیش صفحه ۲۹****#تاریخ ادبیات:**

پروین اعتصامی: صفحه ۱۵۶ / سعدالدین وراوینی: صفحه ۱۵۳ / مرزبان نامه: صفحه ۱۵۷ کتاب درسی

**#معنای لغات:****\*بخش اول: مثل آینه:**

غنیمت: بهره، سود / تعلیمی: آموزشی / اندرز: پند، نصیحت / نرمی = ملایمت / زنه‌ار: تنبیه، هشدار / پُر تب و تاب: پر شور / افزون: علاوه / نیازمند: محتاج / پیوند: ارتباط / نقد: بررسی نقاط ضعف و قوت هر چیز و هرکس / گشوده: باز / نیک بختی: خوش بختی، سعادت / شکوفایی: رشد و پیشرفت / عیب: ایراد / می‌نمایند: نشان می‌دهند / بی‌هیاهو: شلوغی، سر و صدا / رسم: آیین / بازاندیشی: فکر دوباره / پدید آوریم: به وجود بیاوریم / گام: قدم / فراتر رفتن: پیشرفت / نقش: تصویر / راست: درست و دقیق / خطا: اشتباه

**\*بخش دوم: شعر کار و شایستگی:**

گه: زمان، هنگام / شایستگی: لیاقت / خودپسندی: غرور، تکبر / پندار: وهم، خیال / چو بفروختی ← چو: وقتی / از که خواهی خرید ← که: چه کسی / متاع: کالا / غنیمت شمر: بها بده، با ارزش بدان / حقیقت: درستی و راستی / مجوی: طلب نکن / باری است: یک بار است / میبچ: منحرف نشو / حاجت: نیاز / آزادگان: انسان‌های آزاده / بردباری: صبر و شکیبایی / عار: ننگ و زشتی / بصیرت: بینش و آگاهی / درنگر: نگاه کن / زنگار: گرد و غبار / خروار: انباشته گندم / ایام: روزها (در اینجا: روزگار) / پند: اندرز / دریغا: افسوس / هشیار: آگاه

**\*بخش سوم: حکایت باغبان نیک اندیش:**

خسرو: پادشاه / پیر = سالخورده / نهال: درخت تازه روئیده / موسم: زمان، هنگام / کهنسالی = فرتوتی: پیری، سالخوردگی / ایام: جمع یوم، روزها / پیشه کردن: کاری را انتخاب کردن / میل: علاقه، خواسته / اعمال: جمع عمل، کارها / نیک: خوب و شایسته / بنشانی: بکاری / حرص: زیاده‌خواهی / هوس: خواسته نفسانی / باطل: غلط / کجا: کی، چه وقت / پاک‌دل: بی‌کینه / نشانند: کاشتند

**#معنای شعر:**

**معنای بیت اول فصل:** کسب معرفت (و طی طریق شناخت) در زندگی، کاری بسیار مفید و پُر سود است. حال تو اگر می‌خواهی به آن بپرداز و اگر نمی‌خواهی، به هر حال ما آن را نمایان ساخته‌ایم.

**معنای بیت مثل آینه:** اگر آینه عیب‌های تو را به درستی نشان داد، باید خودت را اصلاح کنی نه اینکه آینه را از بین ببری (شکستن آینه ایرادهای تو را برطرف و پنهان نمی‌کند)

**بیت اول:** دوره‌ی جوانی زمان کار و تلاش برای کسب لیاقت و شایستگی است. جوانی هنگام غرور و تکبر و گمان‌های بیهوده نیست.

**بیت دوم:** اگر جوانی‌ات را به هر بهایی بفروشی (و از دست بدهی)، نمی‌توانی آن را مجدد بدست بیاوری. جوانی تو مانند کالایی با ارزش است که در هیچ بازاری، حتی دنیا قابل یافتن نیست.

**بیت سوم:** قدر روزگار جوانی را بدان و همراه به دنبال راستی و درستی باش؛ چرا که این فرصت تنها یک بار است و تکرار شدنی نیست.

**بیت چهارم:** از راه راست به راه کج منحرف نشو؛ (مثلاً) وقتی می‌توانی از در وارد خانه شوی، نیازی به بالا رفتن از دیوار نیست.

**بیت پنجم:** از انسان‌های وارسته و آزاده، شکیبایی و صبوری بیاموز که یادگیری ننگ نیست.

**بیت ششم:** تا زمانی که دلت پاک است (و گرفتاری آلودگی نشده‌ای) در احوال خود تأمل کن.

**بیت هفتم:** دانه و خوشه و گندم، کم‌کم بر روی هم جمع می‌شوند و به خرمن تبدیل می‌شود؛ هیچ خوشه گندمی از ابتدا خرمن نبوده است.

**بیت هشتم:** گذر روزگار، پر از درس و پند است؛ اما حیف که انسان، برای درک آن‌ها به اندازه‌ی کافی توجه ندارد.

## #معنای عبارت:

یک روز پادشاهی برای گردش، به دشت و صحرا رفت. پیرمرد باغبانی را دید که مشغول کاشتن نهال درخت بود. به او گفت: ای پیرمرد! در این زمان که پیر و سالخورده‌ای، کارهای دوره‌ی جوانی را انجام می‌دهی؟ زمان آن رسیده که علاقه به امور دنیایی را رها کنی و کارهای خوب و شایسته انجام بدهی تا به بهشت بروی. تو در این سن و سال نباید به فکر طمع و آرزوهای مادی باشی. تو تا بزرگ شدن این درخت و محصول دادن آن زنده نمی‌مانی و نمی‌توانی از میوه‌های آن بخوری. باغبان پیر و ساده دل، گفت: دیگرانی قبل از ما زحمت کشیدند و ما از دست‌رنج آن‌ها خوردیم؛ حال ما می‌کاریم تا آیندگانمان از آن استفاده کنند.

## #آرایه‌ها:

### \*بخش اول: مثل آئینه:

بیت اول فصل: تلمیح به «انا هدیناه السبیل اما شاکراً اما کفوراً» (۳-انسان) ما راه هدایت را بر او (انسان) نمایان‌دیم؛ خواه شکرگزار باشد (و بپذیرد)، خواه کفران نعمت کند. / واج آرایه «خ»

صفحه ۲۴: دو چشم دیگر ← دو چشم: مجاز از انسان واقع بین / زبان نقد: اضافه‌ی اقترانی / دیگران پنجره‌هایی هستند: تشبیه اسنادی / دیدگان پرسشگر: تشخیص / آنها مثل آئینه: تشبیه و تلمیح به حدیثی از پیامبر اسلام (ص) که فرمودند: «المؤمنُ مرأت المؤمن» (مومن برای مومن مانند آینه است) / پیش چشم می‌آورند: کنایه از نشان می‌دهند / رستم دوستی شکستن آئینه نیست ← آئینه: استعاره از حرمت و احترام افراد / بیت درس مثل آئینه: ضرب المثل / خودشکن: کنایه از اصلاح خود

### \*بخش دوم: شعر کار و شایستگی:

بیت دوم: مصرع اول بیت، استفهام انکاری است / بفروختی و خرید: تضاد / بفروختی، خرید، متاع، بازار: تناسب / متاع جوانی: اضافه‌ی تشبیهی / بازار: استعاره از دنیا / بیت چهارم: ره راست با در: تشبیه / راه کج با دیوار: تشبیه / راست و کج: تضاد / در، دیوار: تناسب / بر، در: جناس ناقص اختلافی / بیت ششم: چشم بصیرت: اضافه‌ی اقترانی / آئینه: استعاره از دل / زنگار: استعاره از گناه و آلودگی / بیت هفتم: واج آرایه «خ»: تمثیل / دانه، خوشه، خروار: تناسب / قرابت معنایی با: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود / بیت هشتم: مصرع اول: تشبیه اسنادی / درس، پند، شاگرد: تناسب / شاگرد: استعاره از انسان‌ها / تلمیح به حدیث امام علی(ع) «عبرت‌ها چه بسیارند و عبرت پذیران اندک»

### \*بخش سوم: حکایت باغبان نیک‌اندیش:

سرگرم کاری بودن: کنایه از مشغول بودن / پیرمرد، کهنسالی، فرتوتی: تناسب / کهنسالی و جوانی: تضاد / درخت اعمال: اضافه‌ی تشبیهی / درختی که تو ... کجا توانی خورد؟: استفهام انکاری

## #تکات\_دستوری:

این همه را = این همه (تذکر) را ← این همه: صفت جانشین اسم / درست آن است = (کار) درست این است ← درست: صفت جانشین اسم / تو را تا در آئینه = تا در آئینه‌ی تو ← را: فک اضافه / همه کار ایام درس است و پند (است= فعل محذوف به قرینه‌ی لفظی) / خسروی = یک خسرو ← ی: نکره / پاک‌دل ← ترکیب وصفی مقلوب {مثل پیرمرد ← مرد پیر}

قالب شعر: قطعه

## #خود-ارزیابی:

- ۱- رابطه‌ی دوستانه و رابطه با انسان‌های باتجربه
- ۲- صادقانه و روراست برخورد می‌کند / زلال و صاف و پاک است / با خیرخواهی به آدم می‌نگرد و عیب‌ها را مطرح می‌کند.
- ۳- شاعر در مقام یک دوست خیرخواه، نوجوانان را نصیحت می‌کند و آنان را از عیب‌های ممکن باخبر می‌سازد.